

مقایسه روابط ایزه‌های، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان

اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی - جبری

Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline and obsessive-compulsive personality disorders symptoms

Raziyeh Nikfallah

M.Sc. Student of Clinical Psychology, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Dr. Fatemeh Golshani*

Associate Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

rose.nikfallah@gmail.com

راضیه نیک فلاح

دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، واحد

تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر فاطمه گلشانی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران.

Abstract

This study aimed to compare schema modes, childhood trauma, and object relationships in individuals with borderline personality and obsessive-compulsive disorder symptoms. The research method was causal-comparative and the statistical population of this study included all people who were referred to public and private counseling centers in Tehran city in 2019, of whom 90 people with borderline personality symptoms and 90 people with obsessive-compulsive symptoms were selected by convenience sampling method. Research tools include Millon Clinical Multi-axial Inventory (1983) (MCMI); Schema Mode Inventory by Lobbstaël et al. (2010) (SMI); Childhood Trauma Questionnaire by Bernstein et al. (1994) (CTQ) and Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (1986) (BORRTI). Data were analyzed using analysis of variance. Individuals with borderline personality disorder symptoms in the components of angry child mode ($P < 0.05$), impulsive child mode ($P < 0.01$), undisciplined child mode ($P < 0.05$), self-aggrandizer mode ($P < 0.01$), emotional abuse ($P < 0.05$), emotional neglect ($P < 0.01$), egocentricity ($P < 0.05$) and insecure attachment ($P < 0.01$) obtained higher mean scores than people with obsessive-compulsive disorder symptoms. Individuals with obsessive-compulsive disorder symptoms in the components of detached protector mode ($P < 0.01$), punishing parent mode ($P < 0.05$), and demanding parent mode ($P < 0.01$), and social incompetence ($P < 0.01$) obtained higher mean scores than people with borderline disorder symptoms. Based on the present study results, it seems that object relationships, schema modes, and childhood traumas play a role in the formation of borderline personality disorder and obsessive-compulsive personality symptoms.

Keywords: Childhood trauma, Object Relationship, Schema Mode, Borderline, Obsessive-Compulsive.

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای، آسیب دوران کودکی و روابط ایزه‌های در افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی - جبری بود. روش پژوهش علی مقایسه‌ای و جامعه آماری این پژوهش شامل تمام افراد مراجعه کننده به مراکز مشاوره دولتی و خصوصی در شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که از میان آن‌ها براساس خط برش پرسشنامه چندمحوری میلون ۹۰ نفر با نشانگان شخصیت مرزی و ۹۰ نفر با نشانگان شخصیت وسواسی - جبری به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه چند محوری بالینی میلون (۱۹۸۳) (MCMI); پرسشنامه ذهنیت‌های طرحواره‌ای لوبستال و همکاران (۲۰۱۰) (SMI); پرسشنامه آسیب کودکی برنستاین و همکاران (۱۹۹۴) (CTQ) و پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایشی بل (۱۹۸۶) (BORRTI) بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس تحلیل شدند. افراد دچار نشانگان اختلال شخصیت مرزی در مؤلفه‌های ذهنیت کودک عصبانی ($P < 0.05$), ذهنیت کودک تکانشی ($P < 0.01$), ذهنیت کودک بی‌انضباط ($P < 0.05$), ذهنیت خودبزرگ‌منش ($P < 0.01$), سوءاستفاده عاطفی ($P < 0.05$), غفلت عاطفی ($P < 0.01$), خودمحوری ($P < 0.05$) و دل‌بستگی نالیمن ($P < 0.01$) میانگین نمره‌های بالاتری نسبت به افراد دچار نشانگان اختلال شخصیت وسواسی - جبری کسب کردند. افراد دچار نشانگان اختلال شخصیت وسواسی - جبری در مؤلفه‌های ذهنیت محافظ بی‌تفاوت ($P < 0.01$), ذهنیت والد تنبیه‌گر ($P < 0.05$) و ذهنیت والد پرتوقع ($P < 0.01$) و بی‌کفایتی اجتماعی ($P < 0.01$) میانگین نمره‌های بالاتری افراد دچار نشانگان اختلال شخصیت مرزی کسب کردند. براساس نتایج پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد که روابط ایزه‌ای، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب‌های دوران کودکی در شکل‌گیری نشانگان اختلال شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی - جبری نقش دارند.

واژه‌های کلیدی: آسیب کودکی، روابط ایزه، ذهنیت طرحواره، مرزی،

وسواسی - جبری.

اختلالات شخصیت^۱، اختلال شایع و مزمن است. میزان شیوع آن در جمعیت عمومی ۱۰ تا ۲۰ درصد تخمین زده می‌شود و همچنین اختلال شخصیت عامل زمینه‌ساز سایر اختلال‌های روان‌پزشکی است و در نتایج درمانی آن‌ها تداخل پیدا کرده و میزان پیش‌آگهی این افراد را بدتر می‌کند. احتمال آنکه این افراد تن به درمان ندهند بسیار زیاد است زیرا اختلال‌های شخصیت معمولاً خودهمخوان^۲ هستند و بابت رفتار غیر انطباقی خود معمولاً زیاد احساس اضطراب نمی‌کنند. اختلالات شخصیت به سه دسته تقسیم شده است. دسته اول شامل اختلالات پارانوئید، اسکیزوتایپال و اسکیزوئید، دسته دوم شامل اختلالات ضداجتماعی، خودشیفته، مرزی و نمایشی و دسته سوم شامل اختلالات دوری جو، وابسته و وسواسی-جبری است (سادوک، سادوک و روئیز^۳، ۲۰۱۵؛ ترجمه رضاعی، ۱۳۹۴).

اختلال شخصیت مرزی اغلب به‌عنوان اختلالی شامل بدتنظیمی در روابط بین‌فردی، رفتار، هویت و شناخت توصیف شده است. شیوع تقریبی اختلال شخصیت مرزی ۱ تا ۳ درصد در طول عمر و ۰/۵ تا ۱/۴ درصد در جمعیت عادی است. آسیب‌پذیری ناشی از این اختلال نظیر تکانشگری در روابط و عملکرد شغلی و خطر خودکشی در سال‌های جوانی از همه بیشتر است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). به نقش عوامل علیتی روانی-اجتماعی در اختلال شخصیت مرزی توجه نظری و پژوهشی زیادی شده است. ناملایمات و بدرفتاری کودکی، با اختلال شخصیت مرزی در بزرگسالی ارتباط دارند. این تجربیات بدرفتاری، غفلت، جدایی و فقدان را شامل می‌شود (باچر، مینکا و هولی^۴، ۲۰۱۴؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۴).

اختلال شخصیت وسواسی-جبری با الگوی دلمشغولی به نظم، کمال‌گرایی و کنترل مشخص می‌شود. شیوع تقریبی اختلال شخصیت وسواسی-جبری ۱ تا ۲ درصد عنوان شده اما معمولاً به درستی مورد تشخیص قرار نمی‌گیرد و شیوع آن به نظر از این میزان بیشتر می‌رسد؛ با این حال اختلال شخصیت وسواسی-جبری یکی از شایع‌ترین اختلالات شخصیت در کل جمعیت است و این اختلال در افراد مستعد موجب جدایی اجتماعی می‌شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). چنین عنوان شده که افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت وسواسی-جبری والدین مستبد، پرتوقع و مطالبه‌گر با استانداردهای بالایی داشتند که موجب شکل‌گیری خلق و هیجان‌های منفی و همین‌طور نشانگان اختلال شخصیت وسواسی-جبری شده است (شریعتی، کشاورز اخلاقی، آذر نیک، ترابی گودرزی و صدیق، ۲۰۱۸).

در مدل طرحواره اختلالات شخصیت در قالب طرحواره‌های ناسازگار اولیه که در دوران تحول افراد شکل گرفته‌اند و پاسخ‌های مقابله‌ای که افراد به طرحواره‌های خود می‌دهند، مفهوم سازی می‌شوند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد هر فرد، نیمرخ بی‌همتایی از چند طرحواره و پاسخ‌های مقابله‌ای با شدت و ابعاد متفاوت دارد و فقط به یکی از مشکلات شخصیت تعلق ندارد. برخی از اختلال‌های شخصیت را می‌توان از طریق ذهنیت‌های طرحواره‌ای معمول آن‌ها توصیف کرد (یانگ، کلسکو و ویشار، ۲۰۰۶؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۳). به‌طور معمول، فرض می‌شود که طرحواره‌ها در نتیجه تجارب اولیه با مظاهر دلبستگی پرورش می‌یابند (سویگوت، کاراسمانگولو و کاکیر، ۲۰۰۹). طبق مدل طرحواره، «ذهنیت طرحواره‌ای^۵» عبارت است از طرحواره‌ها یا عملکردهای طرحواره‌ای (از جمله پاسخ‌های مقابله‌ای) سازگار یا ناسازگار که در حال حاضر در سیستم پردازش اطلاعات فرد فعال شده‌اند. ذهنیت‌های طرحواره‌ای به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ذهنیت‌های کودکان شامل کودک آسیب‌پذیر، کودک خشمگین و کودک تکانشگر؛ ذهنیت‌های والد ناکارآمد شامل والد تنبیه‌گر و والد پرتوقع؛ ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد شامل تسلیم شده مطیع، محافظ بی‌تفاوت و جبران‌کننده افراطی و ذهنیت‌های سالم. در صورتی که ذهنیت طرحواره‌ای ناکارآمد فعال می‌شود که طرحواره‌ها یا پاسخ‌های مقابله‌ای ناسازگانه خاصی منجر به برانگیختگی هیجان‌های آشفته ساز، پاسخ‌های اجتنابی، یا رفتارهای خودآسیب‌رسان شوند، به گونه‌ای که کنترل عملکرد فرد را به دست گیرند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۳).

در این راستا، در پژوهش جاکوبس، لنز، دورنر و وگنر (۲۰۱۹) ذهنیت‌های طرحواره‌ای پیش‌بینی‌کننده نشانگان همه اختلالات شخصیت بودند اما بیشترین سهم را در پیش‌بینی نشانگان اختلال شخصیت وسواسی-جبری داشتند. یاکین، گراسمن و آرنتز (۲۰۲۰)

1. personality disorder

2. ego-syntonic

3. Sadock, B. J., Sadock, V. A., & Ruiz, P.

4. Butcher, J. N., Mineka, S., & Hooley, J.

5. schema mode

تغییر در ذهنیت‌های طرحواره‌ای را عامل اساسی تغییرات در نشانگان اختلالات شخصیت در طرحواره درمانی مطرح کرده‌اند. کوپرز، ون، پین و دیگر (۲۰۲۰) نیز تغییر در ذهنیت‌های طرحواره‌ای را عاملی مؤثر در کاهش نشانگان اختلالات شخصیت و مشکلات روان‌شناختی این افراد در طرحواره درمانی معرفی کرده‌اند. آرنتز، ریچکوبر، چان، فابیسندر، کاراسمانگلو، کریستوفر و همکاران (۲۰۲۱) ذهنیت‌های طرحواره‌ای را عاملی تبیین‌کننده نشانگان همه دسته‌های اختلالات شخصیت معرفی کرده‌اند. فابیسندر، اسچویگر، جاکوب و آرنتز (۲۰۱۴) چنین نتیجه گرفتند که مدلی منحصر به فرد از ذهنیت‌های طرحواره‌ای را می‌توان به هر یک از اختلالات شخصیت اختصاص داد، به این معنی که هر اختلال از مجموعه‌ای از ذهنیت‌های طرحواره‌ای تشکیل شده است. شریعتی و همکاران (۲۰۱۸) به ذهنیت‌های طرحواره‌ای خود بزرگ منش و والد پرتوقع مختص اختلال شخصیت وسواسی- جبری اشاره داشته‌اند.

اگر نیازهای هیجانی اساسی فرد در کودکی تأمین نشده باشند، آن وقت طرحواره‌ها، سبک‌های مقابله‌ای و حالات خلقی خاصی در اثر آسیب‌های دوران کودکی، می‌توانند شکل بگیرند (لاکوود و پریس، ۲۰۱۲). سوء رفتار^۱ کودکی انجام رفتارهایی یا غفلت توسط والدین یا دیگر مراقبان کودک تعریف شده است که موجب به آسیب کودکی می‌شود (کاتان، روسی، لانفریدی و کاتانو، ۲۰۱۵). طبق متن راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۲ وقایع آسیب‌زای کودکی به آزار جسمانی، آزار جنسی، غفلت و آزار روان‌شناختی^۳ تقسیم شده است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). آسیب کودکی با تجربه ذهنی مزمن و عودکننده استرس همبسته است که موجب فعال‌سازی محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال می‌شود. محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال اصلی‌ترین مدار مرتبط با استرس - غدد درون ریز است که ادراک عوامل استرس‌زا (بالقوه) را در الگوی غدد درون ریز و پاسخ‌های خودمختار مورد نیاز برای سازگاری با استرس را ادغام می‌کند و در این میان سیستم سروتونرژیک در تنظیم سازگاری با استرس روانی بسیار حیاتی است (آگوراستوس و همکاران، ۲۰۱۹؛ اسچپرس و همکاران، ۲۰۱۹). ارتباط آسیب کودکی و ترشح کورتیزول، که محصول نهایی هورمون گلوکوکورتیکوئید-هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال است و نشان دهنده افزایش استرس روانی است، مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تغییرات عصبی شیمیایی در مغز در پاسخ به موقعیت‌های استرس‌زا، فعالیت در نواحی پیش‌پیشانی مغز مانند قشر پیش‌پیشانی کاهش می‌یابد. کاهش فعالیت عصبی در این قشر با اختلال در کنترل شناختی در ارتباط است (دی بلیس و زیسک، ۲۰۱۴) و از این منظر به نظر چنین می‌رسد که آسیب کودکی با مشکلات سازگاری و مشکلاتی که در ساختار عصبی افراد ایجاد می‌کند با نشانگان اختلالات شخصیت مرزی و وسواسی- جبری همبسته باشد.

در این راستا برنز، امستادتر، آکین، کنادسن، ریچبورن- کجنرود، گاردنر و همکاران (۲۰۱۴) میزان اندازه اثر آسیب کودکی را برای همه اختلال‌های شخصیت مورد بررسی قرار دادند؛ در پژوهش آن‌ها بیشترین اندازه اثر متعلق به اختلال شخصیت مرزی و بعد متعلق به اختلال شخصیت وسواسی- جبری بود. کاروالهو فرناندو، بیلو، اسچلوسر، ترفهر، اوت، لو و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی دریافتند آزار کودکی فرایندهای اصلی تنظیم هیجان را در افراد دچار اختلال شخصیت مرزی تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به دشواری در تنظیم هیجان و راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه می‌شود. گودرزی، خسروی و دهشیری (۱۳۹۵) چنین پیشنهاد کردند که تجارب آسیب‌زای دوران کودکی احتمال ابتلای فرد به اختلال‌های شخصیتی نظیر اختلال شخصیت وسواسی- جبری را افزایش می‌دهد؛ والدین این افراد، اشخاصی هستند که با برآورده ساختن نیازهای عاطفی و حمایتی موجب شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اختلال شخصیت وسواسی- جبری در آن‌ها می‌شوند. کاتان و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که آسیب دوران کودکی با ایجاد تغییراتی در محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال، انتقال دهنده‌های عصبی و نورپلاستیکی مغز زمینه ساز اختلال شخصیت مرزی است.

باچ و فارل (۲۰۱۸) طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ذهنیت‌های طرحواره‌ای کودک عصبانی و کودک تکانشی را در مفهوم سازی اختلال شخصیت مرزی مهم پنداشته‌اند. پژوهشگران ذهنیت‌های طرحواره‌ای را در افراد دچار اختلال شخصیت مرزی مورد بررسی قرار داده‌اند و به طور کلی چنین عنوان داشته‌اند که ذهنیت‌های طرحواره‌ای در بیماران مرزی راهبردهای باقی‌مانده هستند که افراد مورد استفاده قرار می‌دهند تا از خود در برابر آسیب کودکی، درد، غفلت و سوء رفتار محافظت کنند. حنایی، محمودعلیلو، بخشی پوررودسری و اکبری (۱۳۹۴) چنین نتیجه گرفتند که سبک‌های دلبستگی و روابط منفی با والدین و سوء رفتار عاطفی پیش‌بینی‌کننده ذهنیت‌های طرحواره‌ای در افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی هستند.

1. maltreatment

2. Diagnostic and Statistical Manual of Mental disorders

3. psychological abuse

مقایسه روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طحورهای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی- جبری
Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline ...

نظریه پردازان رویکرد روابط ابژه^۱ سعی داشته‌اند با تکیه بر نوع رابطه فرد در دوران کودکی با مراقبین اصلیش به علل شکل‌گیری ساختارهای شخصیت بپردازند (سیفرت و پورسرلی، ۲۰۱۵). روابط ابژه براساس تعاملات فرد با افراد درونی و بیرونی (به صورت واقعی یا خیالی) و ارتباط بین دنیای درونی و بیرونی تعریف می‌شود. روابط ابژه بر اهمیت تجربه دوران کودکی در رشد و تحول شخصیت تأکید دارند (اشنایدمن، ۲۰۰۰). در نظریه‌های روابط شیء یا موضوعی شخصیت را بازنمایی‌های واقعی یا غیرواقعی فرد از خود و دیگران و عواطف همراه با این بازنمایی‌ها یا به عبارتی ظرفیت افراد برای برقراری روابط انسانی تعریف شده که در سال‌های نخست زندگی شکل می‌گیرد. این بازنمایی‌ها به عنوان راهنما برای رفتارهایی که باید در موقعیت‌های خاصی که فرد در آن قرار دارد، انجام گیرد و الگو برای تجربه‌های کنونی عمل می‌کند و با رشد طبیعی پیچیده‌تر، تمایز یافته‌تر و منعطف‌تر می‌شود. از آن‌جا که بازنمایی‌های درونی‌سازی‌شده، مجموعه‌ای از انتظارات از پیش تعیین شده درباره بازخورد و رفتارهای دیگران را شامل می‌شود، بازنمایی‌هایی که نمایانگر موضوع‌های ارضاکننده، مثبت، واقع‌گرایانه و باثبات در گذشته باشد، در شکل‌گیری احساس امنیت و حفاظت در مقابل تهدید مؤثر است. از طرفی آشفته‌گی‌های بازنمایی‌های روابط موضوعی تجربه سرسختانه و خصومت‌ورزانه روابط موضوعی خود و دیگران را سبب می‌شود، پایه‌های امنیت شخصی را متزلزل می‌کند و به افزایش آسیب‌پذیری منجر می‌شود (کالیگور، کرنبرگ و کلارکین، ۲۰۰۷؛ هینشلوود و فورتونا، ۲۰۱۸).

در این راستا کلارکین، کالیگور و سوویسلو (۲۰۲۰) چنین مطرح کردند که افراد دارای نشانگان اختلال مرزی روابط ابژه‌ای مختل را به گونه‌ای شدید تجربه کرده‌اند که موجب حسی ناپایدار از خود، رفتارها و روابط مختل و بهره‌کشی بین فردی در آنها شده است اما افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت وسواسی جبری، افراد نوروتیکی هستند که روابط ابژه‌ای مختل را در کودکی تجربه کرده‌اند. در پژوهش هوپریچ، نلسون، پاکوت، لنگو و آلبرایت (۲۰۱۷) روابط ابژه‌ای مختل میانجیگر رابطه بین صفات تکانشگری و عاطفه‌پذیری منفی با نشانگان اختلال شخصیت مرزی بود. چمنی و نجفی (۱۳۹۷) چنین نتیجه گرفتند که روابط ابژه‌ای و طحورهای ناسازگار نقش مهمی در پیش‌بینی نشانگان اختلال شخصیت مرزی دارند. شکیلا، محمدخانی، پورشهباز و مشتاقی بیدختی (۲۰۱۱) به روان‌درمانی روابط ابژه به عنوان درمانی مؤثر در کاهش نشانگان اختلالات شخصیت دسته سوم از جمله وسواسی- جبری و اختلالات هیجانی همایند با آنها اشاره داشته‌اند. با نگاهی بر آنچه مرور شد چنین به نظر می‌رسد که اختلال‌های شخصیت مرزی و وسواسی- جبری اختلال‌هایی با شیوع تقریباً نزدیک به هم در جمعیت هستند که حتی عوامل زمینه‌ساز مشابهی نظیر آسیب کودکی در این اختلال‌ها دخیل‌اند. با این حال در مورد دیگر عواملی که در سایه عوامل محیطی چون آسیب کودکی حاصل می‌شوند نظیر طحورهای ناسازگار و ذهنیت‌های طحورهای و همچنین روابط ابژه‌ای به خصوص در اختلال شخصیت وسواسی- جبری اطلاعات چندانی در دسترس نیست. بنابراین بررسی هر چه بیشتر این عوامل در این اختلال‌ها و مقایسه این اختلال‌ها جهت تمایز افتراقی گام نخست در بررسی آسیب‌شناسی مربوط به این اختلال‌ها به شمار می‌آید. براساس آنچه که پیش‌تر مرور شد شیوع نشانگان اختلالات شخصیت مرزی و وسواسی- جبری در جمعیت غیربالیینی نیز بیشتر از سایر اختلالات شخصیت است و هر کدام از این اختلالات بر کارکردها و عملکرد افراد در سطح درون فردی و بین فردی به نوعی مشکلاتی را ایجاد می‌کند و بر زندگی این افراد تأثیرگذارند و بنابراین این امر بر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌افزاید. از این‌رو هدف پژوهش حاضر آزمون فرضیه مقابل بود: بین ذهنیت طحورهای، آسیب دوران کودکی و روابط ابژه‌ای در افراد دچار نشانگان اختلال شخصیت مرزی و نشانگان اختلال شخصیت وسواسی جبری تفاوت وجود دارد.

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای و جامعه آماری این پژوهش شامل تمام افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره دولتی و خصوصی در شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که از میان آن‌ها براساس خط برش پرسشنامه چندمحوری میلیون (نمره بالاتر از ۶۰) ۹۰ نفر دارای نشانگان شخصیت مرزی و ۹۰ نفر دارای نشانگان شخصیت وسواسی- جبری به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از جمله معیارهای ورود تشخیص نشانگان مرزی و وسواسی- جبری براساس نمره بالاتر از ۶۰ و از جمله معیارهای خروج از پژوهش تشخیص همزمان دیگر اختلال‌های روانی و اعتیاد، ابتلاء به بیماری‌های جسمانی مزمن و عقب ماندگی و مصرف دارو بود. معیارهای ورود و خروج به وسیله یک پرسشنامه محقق ساخته دموگرافیک بررسی شد که همگی این معیارها را با سؤالات بله و خیر مورد بررسی قرار می‌دادند.

1. object relationship

در پژوهش حاضر میانگین \pm انحراف معیار سن گروه افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت مرزی $33/30 \pm 5/25$ و گروه افراد دارای نشانگان اختلال وسواسی-جبری $33/60 \pm 5/96$ بود.

پرسشنامه چند محوری بالینی میلون^۱-۳ (MCMI). پرسشنامه چند محوری بالینی میلون-۳ (۱۹۸۳) شامل ۱۷۵ گویه است که ۲۸ مقیاس شامل شاخص‌های تغییرپذیری؛ الگوهای بالینی شخصیت؛ شخصیت‌های اسکیزوئید، اجتنابی، افسرده، وابسته، نمایشی، خودشیفته، ضداجتماعی، آزارگر، اجباری، منفی‌گرا و خودناکام‌ساز؛ الگوهای بالینی شدید شخصیت؛ شخصیت‌های اسکیزوتایپی، مرزی و پارانوئید؛ نشانه‌های بالینی؛ اختلال‌های اضطرابی، شبه جسمانی، مانیک، افسرده‌خوبی، وابستگی به الکحل، وابستگی به مواد و استرس پس از ضربه و نشانه‌های بالینی شدید؛ اختلال‌های تفکر، افسردگی اساسی و هذیانی را به صورت بله/خیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد. میلون به طور اختیاری نقطه برش نرخ پایه ۸۵ یا بالاتر را به عنوان وجود قطعی ویژگی‌های مورد نظر تعیین کرد. نمره‌های BR ۷۵ یا بالاتر دلالت بر وجود ویژگی‌های یک اختلال دارند و نمره‌های BR پایین‌تر از ۷۵ نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌ها وجود دارند نه همه آن‌ها. میلیون (۱۹۸۳) برای این ابزار ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای از ۰/۶۶ تا ۰/۹۰ و ضرایب بازآزمایی را در دامنه‌ای از ۰/۸۲ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. شریفی (۱۳۸۱) در مطالعه خود به بررسی ضریب اعتبار نسخه سوم این آزمون با روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی در اصفهان پرداخته است. شریفی (۱۳۸۱) ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تا ۰/۹۷ به عنوان شاخصی از همسانی درونی و ضرایب اعتبار ۰/۸۲ تا ۰/۹۸ به روش بازآزمایی را برای مقیاس‌های این پرسشنامه گزارش کرد. همچنین در مطالعه شریفی (۱۳۸۱) روایی مقیاس‌های پرسشنامه چند محوری بالینی میلون-۳ از طریق روایی تشخیصی و با محاسبه خصیصه‌های عامل به دست آمده است. در این مطالعه روایی تشخیصی تمام مقیاس‌ها بسیار خوب برآورده شده است. چگینی و همکاران (۱۳۹۲) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و همبستگی خرده مقیاس‌های این ابزار را در گروه بیمار و غیربیمار در دامنه‌ای از ۰/۶۱ تا ۰/۹۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای نشانگان اختلال شخصیت مرزی ۰/۷۶ و برای نشانگان اختلال وسواسی-جبری ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه ذهنیت‌های طحوراه‌ای^۲ (SMI). پرسشنامه ذهنیت‌های طحوراه‌ای لوبستال و همکاران (۲۰۱۰) شامل ۱۲۴ گویه است که ۱۴ ذهنیت طحوراه‌ای را در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از هیچ وقت=۱، به ندرت=۲، گاهی=۳، اغلب=۴، مدام=۵ و همیشه=۶ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. لوبستال و همکاران (۲۰۱۰) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و قدرت تمیز اختلال‌های محور I و محور II را توسط این ابزار به عنوان شاخصی از روایی ابزار گزارش کردند. ویژگی‌های روانسنجی این ابزار توسط حنایی، محمودعلیلو، بخشی پورودوسی و اکبری (۱۳۹۳) بررسی شده است و برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روایی محتوایی رضایت بخشی گزارش کردند. در پژوهش حاضر همچنین برای بررسی روایی محتوایی گویه‌ها از شاخص نسبت روایی محتوایی و نظر ۵ نفر از اساتید هیأت علمی استفاده شد که مقدار آن برای همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ به دست آمد و حاکی از روایی محتوایی مطلوب گویه‌ها بود. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیت کودک عصبانی، ذهنیت کودک غضبناک، ذهنیت کودک تکانشی، ذهنیت کودک بی‌انضباط، ذهنیت کودک شاد، ذهنیت تسلیم شده مطیع، ذهنیت محافظ بی تفاوت، ذهنیت خودآرام بخش بی تفاوت، ذهنیت خود بزرگ منش، ذهنیت زورگو و تهاجمی، ذهنیت والد تنبیه‌گر، ذهنیت والد پرتوقع، ذهنیت بزرگسال سالم به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۲، ۰/۶۹، ۰/۷۳، ۰/۷۹، ۰/۸۴، ۰/۷۵، ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۸۰، ۰/۷۸، ۰/۷۰ و ۰/۷۲ به دست آمد.

پرسشنامه آسیب کودکی^۳ (CTQ). پرسشنامه آسیب کودکی برنستاین و همکاران (۱۹۹۴) شامل ۲۸ عبارت است و ۵ خرده مقیاس آزار جسمی، آزار عاطفی، غفلت جسمانی و غفلت هیجانی را در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از «هرگز=۱» تا «همیشه=۵» مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برنستاین و همکاران (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و همبستگی درونی بین عامل‌های پرسشنامه آسیب کودکی را در دامنه‌ای از $(r=0/25)$ تا $(r=0/58)$ و همبستگی بالای پرسشنامه آسیب کودکی با مصاحبه‌های بالینی بزرگسالان در مورد بدرفتاری و غفلت کودکی به عنوان شاخصی از روایی همگرا گزارش کردند (برنستاین و همکاران، ۱۹۹۴). عسگریور و همکاران (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ را برای آزار جسمی، آزار عاطفی، غفلت جسمانی و غفلت عاطفی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۴، ۰/۷۰ و ۰/۸۳ به دست آوردند و عامل آزار جسمی به علت همسانی درونی پایین در پاسخ‌های ارایه شده از پژوهش حذف شد. در پژوهش عسگریور

1. Millon Clinical Multiaxial Inventory (MCMI)

2. Schema Mode Inventory (SMI)

3. Childhood Trauma Questionnaire (CTQ)

مقایسه روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طحوراه‌ای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی- جبری
Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline ...

و همکاران (۱۳۹۴) ساختار نظری پرسشنامه آسیب کودکی متشکل از چهار عامل آزار جسمی، آزار عاطفی، غفلت جسمانی و غفلت هیجانی با بارهای عاملی بالاتر ۰/۳۲ بود. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای ۵ خرده مقیاس آزار جنسی، آزار جسمی، آزار عاطفی، غفلت جسمانی و غفلت هیجانی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۱، ۰/۸۰، ۰/۷۰ و ۰/۶۹ به دست آمد.

پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت آزمایی بل^۱ (BORRTI). مقیاس روابط موضوعی بل و همکاران (۱۹۸۵) شامل ۹۰ گویه است که ۴ خرده مقیاس بیگانگی، دلبستگی نایمن، خودمیان بینی و بی کفایتی اجتماعی را به صورت بله/ خیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بل و همکاران (۱۹۸۵؛ ۱۹۸۶) ضرایب پایایی بازآزمایی را برای ۴ و ۱۳ هفته در دامنه‌ای از ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همبستگی این ابزار را با پرسشنامه چندمحوری بالینی میلون- ۲ به عنوان شاخصی از روایی آن گزارش کردند. هادی نژاد و همکاران (۱۳۹۳) برای این ابزار ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای ۰/۶۷ تا ۰/۸۵ و همبستگی خرده مقیاس‌های این ابزار را با SCL-90 به عنوان شاخصی از روایی آزمون گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای ۴ خرده مقیاس بیگانگی، دلبستگی نایمن، خودمیان بینی و بی کفایتی اجتماعی به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۰ به دست آمد.

در پژوهش حاضر اصول اخلاقی پژوهش از جمله رضایت آگاهانه، محرمانه ماندن اسرار آزمودنی‌ها و رازداری رعایت شد. پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بود، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد.

یافته‌ها

در گروه افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت مرزی ۳۵ مرد (۳۸/۸۹ درصد) و ۵۵ زن (۶۱/۱۱ درصد) و در گروه افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت وسواسی- جبری ۳۸ مرد (۴۲/۲۲ درصد) و ۵۲ زن (۵۷/۷۸ درصد) حضور داشتند. در پژوهش حاضر میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در گروه افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت مرزی برابر با $31/00 \pm 6/53$ و در گروه افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت وسواسی- جبری برابر با $32/47 \pm 8/54$ بود.

قبل از انجام تحلیل واریانس پیش‌فرض‌های آزمون شامل مفروضه نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کالماگروف- اسمیرنف، همگنی واریانس‌های خطا، مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس و همبستگی بین مؤلفه‌های متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون لوین نشان داد واریانس خطای هیچ یک از مؤلفه‌های ذهنیت طحوراه‌ای، آسیب کودکی و روابط ابژه‌ای در سطح ۰/۰۵ معنادار نبود. بنابراین می‌توان گفت مفروضه همگنی واریانس‌های خطا برای هر یک از مؤلفه‌ها در دو گروه برقرار بود. به علاوه، نتایج آزمون ام. باکس نشان داد که مفروضه همگنی ماتریس‌های کوواریانس متغیرهای وابسته در بین داده‌های مربوط به دو گروه برقرار بود. همچنین نتیجه آزمون کرویت بارلت^۲ در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. این موضوع نشان می‌دهد که سطح قابل قبولی از همبستگی بین مؤلفه‌های ذهنیت طحوراه‌ای، آسیب کودکی و روابط ابژه‌ای وجود دارد و بنابراین چنین نتیجه‌گیری شد که تحلیل واریانس چند متغیری روش مناسبی برای مقایسه مؤلفه‌های ذهنیت طحوراه‌ای، آسیب کودکی و روابط ابژه‌ای در بین دو گروه افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی جبری بود.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار و مقادیر کالماگروف- اسمیرنف مؤلفه‌های ذهنیت طحوراه‌ای، آسیب کودکی و روابط ابژه‌ای را در دو

گروه شخصیت مرزی و شخصیت وسواس جبری

کالماگروف- اسمیرنف (سطح معناداری)		میانگین \pm انحراف معیار		مؤلفه های ذهنیت طحوراه ای
مرزی	وسواس	مرزی	وسواس	
(۰/۲۰۰) ۰/۱۱۱	(۰/۲۰۰) ۰/۱۲۹	۳/۷۵ \pm ۳۲/۷۳	۴/۵۴ \pm ۳۰/۹۰	ذهنیت کودک آسیب پذیر
(۰/۱۳۲) ۰/۱۴۱	(۰/۱۵۸) ۰/۱۳۷	۶/۰۸ \pm ۳۹/۰۷	۵/۷۹ \pm ۳۵/۵۷	ذهنیت کودک عصبانی
(۰/۲۰۰) ۰/۰۹۲	(۰/۲۰۰) ۰/۱۰۶	۵/۵۳ \pm ۳۶/۷۳	۵/۹۲ \pm ۳۸/۲۰	ذهنیت کودک غضبناک

1. Bell Object Relations and Reality Testing Inventory (BORRTI)

2. Bartlett test of sphericity

(۰/۱۷۳) - ۰/۱۳۵	(۰/۱۱۲) - ۰/۱۴۴	۴/۹۲±۳۴/۷۱	۵/۴۵±۳۰/۸۳	ذهنیت کودک تکانشی
(۰/۲۰۰) - ۰/۱۱۴	(۰/۱۸۷) - ۰/۱۳۳	۳/۸۱±۲۲/۷۷	۴/۱۵±۲۰/۴۰	ذهنیت کودک بی انضباط
(۰/۲۰۰) - ۰/۰۸۷	(۰/۲۰۰) - ۰/۱۰۸	۵/۱۱±۳۶/۰۳	۷/۵۴±۳۶/۵۷	ذهنیت کودک شاد
(۰/۲۰۰) - ۰/۱۲۵	(۰/۲۰۰) - ۰/۰۹۴	۵/۰۹±۲۶/۴۰	۵/۰۸±۲۵/۷۲	ذهنیت تسلیم شده مطیع
(۰/۲۰۰) - ۰/۰۹۷	(۰/۲۰۰) - ۰/۰۸۷	۵/۹۴±۲۸/۱۷	۵/۸۹±۳۲/۳۰	ذهنیت محافظ بی تفاوت
(۰/۲۰۰) - ۰/۰۹۳	(۰/۲۰۰) - ۰/۱۰۶	۴/۱۹±۱۲/۰۰	۳/۵۹±۱۳/۰۳	ذهنیت خودآرام بخش بی تفاوت
(۰/۲۰۰) - ۰/۰۷۶	(۰/۲۰۰) - ۰/۱۰۹	۶/۶۴±۳۵/۶۹	۷/۵۲±۳۱/۵۶	ذهنیت خود بزرگ منش
(۰/۰۸۱) - ۰/۱۵۱	(۰/۱۳۸) - ۰/۱۴۰	۵/۴۱±۲۸/۷۷	۵/۰۸±۳۰/۶۰	ذهنیت زورگو و تهاجمی
(۰/۰۹۸) - ۰/۱۴۷	(۰/۱۲۹) - ۰/۱۴۲	۶/۱۳±۳۴/۲۳	۶/۵۹±۳۸/۱۰	ذهنیت والد تنبیه گر
(۰/۰۷۱) - ۰/۱۵۳	(۰/۲۰۰) - ۰/۱۲۴	۶/۰۲±۳۱/۸۵	۵/۴۷±۳۶/۱۳	ذهنیت والد پرتوقع
(۰/۰۹۰) - ۰/۱۴۸	(۰/۲۰۰) - ۰/۰۹۲	۶/۳۸±۳۷/۱۴	۵/۱۱±۳۶/۹۰	ذهنیت بزرگسال سالم
(۰/۲۰۰) - ۰/۱۲۷	(۰/۰۶۱) - ۰/۱۵۶	۳/۰۹±۱۳/۵۷	۳/۲۲±۱۱/۷۷	سوءاستفاده عاطفی
(۰/۲۰۰) - ۰/۱۱۹	(۰/۰۸۶) - ۰/۱۴۹	۲/۷۳±۱۲/۸۹	۲/۳۱±۱۳/۱۰	سوءاستفاده جسمانی
(۰/۰۵۳) - ۰/۱۵۸	(۰/۲۰۰) - ۰/۱۱۱	۲/۱۱±۸/۷۸	۲/۷۱±۹/۴۷	سوءاستفاده جنسی
(۰/۰۶۳) - ۰/۱۵۵	(۰/۰۹۱) - ۰/۱۴۸	۳/۵۳±۱۶/۱۰	۳/۲۹±۱۳/۶۰	غفلت عاطفی
(۰/۱۲۰) - ۰/۱۴۳	(۰/۰۳۶) - ۰/۱۶۵	۲/۰۲±۱۱/۴۲	۱/۹۴±۱۰/۴۹	غفلت جسمانی
(۰/۰۴۳) - ۰/۱۶۲	(۰/۰۸۲) - ۰/۱۵۰	۲/۳۹±۹/۰۰	۱/۸۲±۷/۷۴	خودمحوری
(۰/۰۵۴) - ۰/۱۵۸	(۰/۲۰۰) - ۰/۱۲۶	۱/۶۰±۵/۱۰	۱/۵۵±۵/۳۷	بیگانگی
(۰/۰۸۰) - ۰/۱۵۱	(۰/۰۵۲) - ۰/۱۵۹	۱/۶۲±۵/۹۳	۱/۳۹±۴/۸۳	دل بستگی نایمن
(۰/۰۲۹) - ۰/۱۶۹	(۰/۰۸۱) - ۰/۱۵۰	۱/۲۹±۳/۹۰	۱/۵۴±۵/۰۷	بی کفایتی اجتماعی

در ادامه نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که ارزش F برای مؤلفه‌های ذهنیت طرحواره‌ای در سطح $0/01$ معنادار است ($0/444 = \text{Wilks' } \Lambda$ ، $\text{partial } \eta^2 = 0/556$ ، $P = 0/001$ ، $F(4, 14) = 4/31$ ، به همین منظور تحلیل واریانس یک راهه انجام شد تا معین گردد کدام یک از مؤلفه‌های ذهنیت طرحواره‌ای در بین دو گروه افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی جبری به لحاظ آماری متفاوت است.

جدول ۲. تحلیل واریانس یکراهه در مقایسه مؤلفه‌های ذهنیت طرحواره‌ای

درجه آزادی	η^2	F	میانگین مجذورات خطا	میانگین مجذورات	مؤلفه‌ها
بین گروهی و خطا					
	۰/۰۴۸	۲/۹۱	۱۷/۳۶	۵۰/۴۲	ذهنیت کودک آسیب‌پذیر
	۰/۰۸۲	۵/۲۱*	۳۵/۳۰	۱۸۳/۷۵	ذهنیت کودک عصبانی
	۰/۰۱۷	۰/۹۸	۳۲/۸۷	۳۲/۲۷	ذهنیت کودک غضبناک
	۰/۱۲۷	۸/۴۵**	۲۷/۰۰	۲۲۸/۱۵	ذهنیت کودک تکانشی
	۰/۰۸۴	۵/۲۹*	۱۵/۸۷	۸۴/۰۲	ذهنیت کودک بی‌انضباط
۵۸ و ۱	۰/۰۰۲	۰/۱۰	۴۱/۸۰	۴/۲۷	ذهنیت کودک شاد
	۰/۰۰۴	۰/۲۶	۲۵/۸۸	۶/۶۷	ذهنیت تسلیم‌شده مطیع
	۰/۱۱۲	۷/۳۱**	۳۵/۰۴	۲۵۶/۲۷	ذهنیت محافظ بی‌تفاوت
	۰/۰۱۸	۱/۰۵	۱۵/۲۶	۱۶/۰۲	ذهنیت خودآرام بخش بی‌تفاوت
	۰/۰۸۲	۵/۱۶*	۵۰/۴۴	۲۶۰/۴۲	ذهنیت خود بزرگ منش
	۰/۰۳۱	۱/۸۳	۲۷/۵۶	۵۰/۳۷	ذهنیت زورگو و تهاجمی

مقایسه روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی-جبری
Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline ...

۰/۰۸۷	۵/۵۴*	۴۰/۴۵	۲۲۴/۲۹	ذهنیت والد تنبیه گر
۰/۱۲۷	۸/۴۶**	۳۲/۷۹	۲۷۷/۳۵	ذهنیت والد پرتوقع
۰/۰۰۱	۰/۰۲	۳۳/۴۷	۰/۶۰	ذهنیت بزرگسال سالم

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

جدول ۲ نشان می‌دهد که نمره F مربوط به مؤلفه‌های ذهنیت کودک تکانشی ($F(1, 58) = 8/45, P < 0.01$)، ذهنیت محافظ بی تفاوت ($F(1, 58) = 7/31, P < 0.01$) و ذهنیت والد پرتوقع ($F(1, 58) = 8/46, P < 0.01$) در سطح معناداری ۰/۰۱ و مؤلفه‌های ذهنیت کودک بی‌انضباط ($F(1, 58) = 5/29, P < 0.05$)، ذهنیت کودک عصبانی ($F(1, 58) = 5/21, P < 0.05$)، ذهنیت خود بزرگ‌منش ($F(1, 58) = 5/16, P < 0.05$) و ذهنیت والد تنبیه گر ($F(1, 58) = 5/54, P < 0.05$) در سطح ۰/۰۵ معنادار است. استفاده از آزمون تعقیبی بن فرونی نشان داد که افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مؤلفه‌های ذهنیت کودک عصبانی ($\Delta\bar{X} = 3/50, SE = 1/53, P < 0.05$)، ذهنیت کودک تکانشی ($\Delta\bar{X} = 3/90, SE = 1/34, P < 0.01$)، ذهنیت کودک بی‌انضباط ($\Delta\bar{X} = 2/37, SE = 1/03, P < 0.05$) و ذهنیت خود بزرگ‌منش ($\Delta\bar{X} = 4/17, SE = 1/84, P < 0.01$) میانگین نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. همچنین استفاده از آزمون تعقیبی بن فرونی نشان داد که افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مؤلفه‌های ذهنیت محافظ بی تفاوت ($\Delta\bar{X} = 4/13, SE = 1/53, P < 0.01$)، ذهنیت والد تنبیه گر ($P < 0.05$)، $\Delta\bar{X} = 3/87, SE = 1/62$) و ذهنیت والد پرتوقع ($\Delta\bar{X} = 4/30, SE = 1/48, P < 0.01$) میانگین نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. در ادامه نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که ارزش F برای مؤلفه‌های آسیب کودکی در سطح ۰/۰۵ معنادار است ($0.813 = \text{partial } \eta^2, P = 0.042, F(5, 54) = 2/490$). به همین منظور تحلیل واریانس یک راهه انجام شد تا معین گردد کدام یک از مؤلفه‌های ذهنیت طرحواره ای در بین دو گروه افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی جبری به لحاظ آماری متفاوت است.

جدول ۳. تحلیل واریانس یک‌راهه در مقایسه مؤلفه‌های آسیب دوران کودکی

درجه آزادی	η^2	F	میانگین مجذورات خطا	میانگین مجذورات	مؤلفه‌ها
بین گروهی و خطا	۰/۰۷۷	۴/۸۷*	۹/۹۸	۴۸/۶۰	سوءاستفاده عاطفی
	۰/۰۰۲	۰/۱۳	۶/۴۲	۰/۸۲	سوءاستفاده جسمانی
۵۸ و ۱	۰/۰۲۱	۱/۲۴	۵/۹۱	۷/۳۵	سوءاستفاده جنسی
	۰/۱۲۲	۸/۰۹**	۱۱/۵۸	۹۳/۷۸	غفلت عاطفی
	۰/۰۵۱	۳/۱۱	۳/۹۱	۱۲/۱۵	غفلت جسمانی

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

جدول ۳ نشان می‌دهد که نمره F مربوط به مؤلفه سوءاستفاده عاطفی ($F(1, 58) = 4/87, P < 0.05$) در سطح ۰/۰۵ و مؤلفه غفلت عاطفی ($F(1, 58) = 8/09, P < 0.01$) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. استفاده از آزمون تعقیبی بن فرونی نشان داد که افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مؤلفه‌های سوءاستفاده عاطفی ($\Delta\bar{X} = 1/80, SE = 0/82, P < 0.05$) و غفلت عاطفی ($\Delta\bar{X} = 2/50, SE = 0/88, P < 0.01$) میانگین نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که ارزش F در مقایسه روابط ابژه در دو گروه افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی جبری در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($0.704 = \text{partial } \eta^2, P = 0.001, F(4, 55) = 5/783$). به همین منظور تحلیل واریانس یک راهه انجام شد تا معین گردد کدام یک از مؤلفه‌های روابط ابژه‌ای در بین دو گروه افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی جبری به لحاظ آماری متفاوت است.

جدول ۴. تحلیل واریانس یکراهه در مقایسه مؤلفه‌های روابط ابژه

درجه آزادی	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات خطا	میانگین مجذورات	مؤلفه‌ها
بین گروهی و خطا	η^2				
۵۸ و ۱	۰/۰۷۹	۴/۹۹*	۴/۵۸	۲۲/۸۲	خودمحوری
	۰/۰۰۷	۰/۴۳	۲/۵۱	۱/۰۷	بیگانگی
	۰/۱۲۱	۷/۹۷*	۲/۲۸	۱۸/۱۵	دلبستگی نایمن
	۰/۱۴۷	۱۰/۰۳	۲/۰۴	۲۰/۴۲	بی‌کفایتی اجتماعی

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

جدول ۴ نشان می‌دهد که نمره F مربوط به مؤلفه‌های دلبستگی نایمن ($F(1, 58) = 7.97, P < 0.01$) و بی‌کفایتی اجتماعی ($F(1, 58) = 10.03, P < 0.01$) در سطح 0.01 و مؤلفه خودمحوری ($F(1, 58) = 4.99, P < 0.05$) در سطح 0.05 معنادار است. استفاده از آزمون تعقیبی بن فرونی نشان داد که افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مؤلفه‌های خودمحوری ($\Delta\bar{x} = 1.23, SE = 0.55, P < 0.05$) و دلبستگی نایمن ($\Delta\bar{x} = 1.10, SE = 0.39, P < 0.01$) میانگین نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. همچنین نتایج آزمون بن فرونی نشان داد که افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مؤلفه بی‌کفایتی اجتماعی میانگین نمرات بالاتری کسب نمودند ($\Delta\bar{x} = 1.17, SE = 0.37, P < 0.01$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای، آسیب دوران کودکی و روابط ابژه‌ای در افراد دارای نشانگان اختلال شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی-جبری بود. در پژوهش حاضر افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مؤلفه‌های غفلت عاطفی و سوءاستفاده عاطفی آسیب دوران کودکی میانگین نمرات بالاتری کسب کردند. افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مقایسه با افراد دچار نشانگان وسواسی جبری در مؤلفه‌های خودمحوری و دلبستگی نایمن روابط ابژه‌ای میانگین نمرات بالاتری کسب می‌کنند و افراد دچار نشانگان وسواسی جبری در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مؤلفه بی‌کفایتی اجتماعی میانگین نمرات بالاتری کسب کردند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مؤلفه‌های ذهنیت کودک عصبانی، ذهنیت کودک تکانشی، ذهنیت کودک بی‌انضباط و ذهنیت خود بزرگ‌منش میانگین نمرات بالاتر و افراد دچار نشانگان شخصیت وسواسی جبری در مقایسه با افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی در مؤلفه‌های ذهنیت محافظ بی‌تفاوت، ذهنیت والد تنبیه‌گر و ذهنیت والد پرتوقع میانگین نمرات بالاتری کسب کردند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج حاصل از پژوهش‌های چمنی و نجفی (۱۳۹۷)؛ حنایی و همکاران (۱۳۹۴)؛ شکیلا و همکاران (۲۰۱۱)؛ گودرزی و همکاران (۱۳۹۵)؛ آرنتز و همکاران (۲۰۲۱)؛ برنز و همکاران (۲۰۱۴)؛ جاکوبس و همکاران (۲۰۱۹)؛ فابیستندر و همکاران (۲۰۱۴)؛ فرناندو و همکاران (۲۰۱۴)؛ کاتان و همکاران (۲۰۱۷)؛ کلارکین و همکاران (۲۰۲۰)؛ کوپرز و همکاران (۲۰۲۰)؛ هوپریچ و همکاران (۲۰۱۷)؛ یاکین و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود.

در تبیین یافته حاضر می‌توان به نظریه زیستی-اجتماعی لینهان اشاره کرد. لینهان در توصیف اختلال شخصیت مرزی بر بدکارکردی و بدتنظیمی هیجانی^۱ و محیط بی‌اعتبارساز^۲ هیجان در پیدایش اختلال شخصیت مرزی تمرکز می‌کند. نظریه زیستی-اجتماعی لینهان بیان می‌کند که اختلال شخصیت مرزی، اساساً نوعی بدکارکردی در سیستم تنظیم هیجان است. محیط بی‌اعتبارساز به دلایل زیر، پاسخ‌های هیجانی ناکارآمد را در کودک به ودیعه می‌گذارد: (۱) قصور در آموزش کودک جهت بازشناسی، تشخیص، و تنظیم و تعدیل

1. emotional dysfunction and dysregulation

2. invalidating environment

مقایسه روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی- جبری
Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline ...

هیجان‌ها؛ ۲) کوتاهی والدین در آموزش کودک برای تحمل حالات پریشانی؛ و ۳) کوتاهی در آموزش کودک برای اینکه به پاسخ‌های هیجانی خودش -به عنوان تفسیرهای درست از واقعیت- اعتماد کند (محمودعلیلو و شریفی، ۱۳۹۲). بدین ترتیب، سوءاستفاده عاطفی در دوران کودکی که شکلی از بی اعتبارسازی است (کنگ و سو، ۲۰۱۸)، غفلتی که از سوی والدین در دوران کودکی رخ می‌دهد، رشد هیجانی- اجتماعی دوران بزرگسالی را تحت تأثیر نامطلوب قرار می‌دهد، از جمله اینکه کودکانی که در دوران کودکی خود مورد غفلت واقع شده‌اند معمولاً به ناچار درد روانی و عاطفی بیش از حدی را تحمل کنند، که این مانع از ایجاد احساس امنیت و دل بستگی ایمن در آن‌ها می‌شود. بنابراین، این کودکان کم‌تر احتمال دارد مهارت‌های تنظیم هیجان یا مقابله مؤثر با شناخت‌واره‌ها یا هیجان‌های منفی شکل بگیرد (چن، کوکارو، لی و جاکوبسن، ۲۰۱۲؛ پامپیلی، ایناموراتی، لامیس، ارباتو، ونتورینی، ریسو و همکاران، ۲۰۱۴)، همچنانکه در اختلال شخصیت مرزی مشهود است.

بدین ترتیب والدین با غفلت و سوءاستفاده عاطفی پایه و اساس شکل‌گیری دل بستگی نایمن را پایه‌ریزی می‌کنند. دل بستگی نایمن در روابط ابژه‌ای در بافت خانواده و دیگر تجربیات فرد در اجتماع موجب می‌شود وی وارد چرخه‌ای شود که در مقایسه با دیگران آسیب‌پذیری بیشتری داشته باشد. مادران افراد دچار نشانگان شخصیت مرزی که سبک دل بستگی نایمن دارند، در رفتارهای خود به شدت بی ثبات هستند و قدرت پیش بینی در روابط را از کودک خود سلب می‌کنند. در نتیجه، الگوی بی ثبات درونی شکل گرفته از چهره دل بستگی، همواره موجب ترس و اضطراب جدایی در فرد خواهد شد؛ چرا که چهره دل بستگی درونی شکل گرفته از مادر در کودک، یک پایگاه ایمنی بخش درونی مستحکم و با ثبات که در هر لحظه کودک نیاز داشته باشد، در اختیار او باشد، نیازهای اولیه او را به طور مدام با ثبات برآورده سازد و محیط را همواره ایمن سازد، نیست. همچنانکه یکی از نشانه‌های اصلی اختلال شخصیت مرزی، ترس از طرد و رها شدن توسط ابژه در روابط است (چمنی و نجفی، ۱۳۹۷). دل بستگی مختل حاوی اطلاعاتی است مبنی بر اینکه افراد مهم زندگی به موقع و به اندازه کافی در دسترس نبودند تا نیازهای کودک را برآورده کنند و بدین ترتیب زمینه شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه را فراهم می‌آورند (حنایی و همکاران، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد کودکانی که آسیب کودکی را تجربه کرده‌اند و دل بستگی نایمن و ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناسالم را شکل داده‌اند، تحت تأثیر ذهنیت کودک عصبانی ذهنیتی که به خاطر ارضا نشدن نیازهای هیجانی خود، عصبانی است، رفتارهای خشمگینانه خود را، بدون توجه به پیامدهای آن، ابراز می‌دارد و خشم خود را بیان کند؛ افراد دچار اختلال شخصیت مرزی براساس ذهنیت طرحواره‌ای تکانشی و بی انضباط، نظم و پشتکار ندارد و به اعمال تکانشی مطابق تمایلات فوری بدون توجه به محدودیت‌ها دست می‌زنند. همچنین همچنانکه در مؤلفه خودمحوری روابط شیء این افراد نمرات بیشتری را دریافت کردند به نظر می‌رسد به ذهنیت خودبزرگ منش نیز که ذهنیتی است که در آن، فرد دوست دارد در مرکز توجه دیگران قرار گیرد، بسیار متوسل می‌شوند (بانگ و همکاران، ۲۰۰۶) که ممکن از تجربه غفلت در دوران کودکی ناشی شود؛ بی‌توجهی و غفلت والدین از نظر کوهات و کرنبرگ^۱ ۱۹۷۸ موجب شکل‌گیری خودپنداره‌ای اغراق آمیز و خودمحوری در ارضای نیازهای خود نیز می‌شود (باچر و همکاران، ۲۰۱۴؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۴). علاوه براین، به نظر می‌رسد ترس از رها شدن در افراد دچار نشانگان اختلال شخصیت مرزی با خودمحوری همراه شده و موجب این می‌شود که با اعمال قدرت بر دیگران بر این ترس درونی خود فائق آیند.

از طرفی، در مورد افراد مبتلا به نشانگان اختلال شخصیت وسواسی- جبری باید گفت برخی از افراد دچار نشانگان به اختلال شخصیت وسواسی- اجباری بدون توجه به مکان، زمان و شرایط، تقریباً همیشه به یک سبک و سیاق عمل می‌کنند: خویشتن‌دار، انعطاف‌ناپذیر و کمال‌گرا. این افراد ممکن است به دلیل ذهنیت والد پرتوقع که وی را برای دستیابی به انتظارات غیرواقع بینانه والدین تحت فشار قرار می‌دهد، ذهنیت والد تنبیه‌گر -ذهنیتی که کودک را به خاطر بد بودن تنبیه می‌کند و کودک رها شده را مجازات کند و در غالب محافظ بی تفاوت، با کمک اجتناب از مردم و به کارگیری انواع فرار روان‌شناختی، از درد و رنج طرحواره فاصله گیرند و بدین ترتیب هیجان‌های خود را بلوکه کرده و از دیگران جدا شده تا از خودش محافظت کند (بانگ و همکاران، ۲۰۰۶). در نظریه‌های روابط شیء کمال‌گرایی به عنوان دفاعی در مقابل انتقاد، سرزنش‌گری و احساس گناهی شکل گرفته که ریشه در روابط والدینی و فراخود بسیار سخت‌گیر دارد (هانا، ۲۰۰۸). با در نظر گرفتن مطالبی که مطرح شد روابط ابژه‌ای که حاکی از بی کفایتی اجتماعی است در افراد دچار اختلال شخصیت

1. Kohut & Kernberg

وسواسی- جبری تحت تأثیر روابط اولیه آن‌ها و عدم درک نیازهای کودک و آسیب به خودشیفتگی وی و سرزنش‌گری بیش از حد توسط والدین شکل می‌گیرد.

براساس نتایج پژوهش حاضر چنین به نظر می‌رسد که روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب‌های دوران کودکی در شکل‌گیری نشانگان اختلال شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی- جبری نقش دارند و از آنجاکه خانواده و فضای خانه، بادوام‌ترین و پایدارترین عاملی است که بر رشد و تحول شخصیت به گونه‌های مختلف اثر می‌گذارد، آموزش خانواده اساسی‌ترین نوع آموزش است که برای خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان اکتفا به ابزار خودگزارشی را در نظر گرفت که ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار داده باشد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود از روش‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات نظیر مصاحبه نیز بهره گرفته شود. نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر محدود به شهر تهران بود که تعمیم یافته‌ها را به شهرهای دیگر محدود می‌سازد، بنابراین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود این مطالعه را بر روی افراد در دیگر شهرها نیز تکرار کنند و نتایج را با نتایج حاصل از این پژوهش مقایسه کنند.

منابع

- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (ویراست پنجم)*. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۳). تهران: روان. باچر، ج.، مینکا، س.، و هولی، ج. (۲۰۱۴). *آسیب‌شناسی روانی*. (ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۴)). تهران: ارسباران.
- چگینی، م.، دلاور، ع.، و غرابی، ب. (۱۳۹۲). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه بالینی چندمحوری میلون - ۳. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۸، ۲۹، ۱۳۵-۱۶۲.
- چمنی، ف.، و نجفی، م. (۱۳۹۷). ارتباط روابط موضوعی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نشانگان شخصیت مرزی در دانشجویان علوم پزشکی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶، ۱، ۶۱-۵۴.
- حنایی، ن.، و محمودعلیلو، م.، و بخشی پورودسری، ع.، و اکبری، ا. (۱۳۹۴). ذهنیت‌های طرحواره‌ای. تجربه کودک آزاری و سبک‌های دلبستگی در اختلال شخصیت مرزی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، ۱۳، ۱۱۸-۱۰۱.
- حنایی، ن.، محمودعلیلو، م.، بخشی پورودسری، ع.، و اکبری، ا. (۱۳۹۴). ذهنیت‌های طرحواره‌ای، تجربه کودک آزاری و سبک‌های دلبستگی در اختلال شخصیت مرزی. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۳، ۱۲، ۱۱۸-۱۰۱.
- سادوک، بنجامین، جیمز، سادوک، ویرجینا آلکوت، و روئیز، پدرو. (۲۰۱۵). *خلاصه روان‌پزشکی: علوم رفتاری/ روان‌پزشکی بالینی*. ترجمه فرزین رضاعی (۱۳۹۴). تهران: ارجمند.
- شریفی، ع. آ. (۱۳۸۱). *هنجاریابی آزمون بالینی چند محوری میلون-۳ در شهر اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- عسگریپور، ف.، کربلایی محمد میگوئی، آ.، و تقی‌لو، ص. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای آسیب کودکی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و تنظیم شناختی انطباقی هیجان در کودکان کار. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۹، ۳۳، ۱۲۱-۱۰۳.
- فتحی آشتیانی، ع.، و داستانی، م. (۱۳۹۰). *آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*. تهران: بعثت.
- گودرزی، ن.، و خسروی، ز.، و دهشیری، غ. (۱۳۹۵). طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای فراشناختی در افراد مبتلا به اختلال وسواسی- اجباری، اختلال شخصیت وسواسی- اجباری و گروه بهنجار. *روان‌شناسی بالینی*، ۸ (پیاپی ۳۱)، ۳۵-۲۵.
- محمود علیلو، م.، و شریفی، م. (۱۳۹۲). *اختلال شخصیت مرزی: مباحث نظری و روش‌های درمانی*. تهران: ارجمند.
- یانگ، ج.، کلسکو، ژ.، و ویشار، م. ج. (۲۰۰۶). *طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۸۹). تهران: ارجمند.
- Agorastos, A., Pervanidou, P., Chrousos, G. P., & Baker, D. G. (2019). Developmental Trajectories of Early Life Stress and Trauma: A Narrative Review on Neurobiological Aspects beyond Stress System Dysregulation [Review]. *Frontiers in Psychiatry*, 10(118).
- Arntz, A., Rijkeboer, M., Chan, E., Fassbinder, E., Karaosmanoglu, A., Lee, C. W., & Panzeri, M. (2021). Towards a Reformulated Theory Underlying Schema Therapy: Position Paper of an International Workgroup. *Cognitive Therapy and Research*.
- Bach, B., & Farrell, J. M. (2018). Schemas and modes in borderline personality disorder: The mistrustful, shameful, angry, impulsive, and unhappy child. *Psychiatry Research*, 259, 323-329.

مقایسه روابط ابژه‌ای، ذهنیت‌های طرحواره‌ای و آسیب دوران کودکی در افراد دارای نشانگان اختلال‌های شخصیت مرزی و شخصیت وسواسی-جبری
Comparison of object relationships, schema modes, and childhood trauma in individuals with borderline ...

- Beauchaine, T. P., Klein, D. N., Crowell, S. E., Derbidge, C., & Gatzke-Kopp, L. (2009). Multifinality in the development of personality disorders: a Biology x Sex x Environment interaction model of antisocial and borderline traits. *Development and psychopathology*, 21(3), 735-770.
- Bell, M. D., Billington, R. J., & Becker, B. R. (1985). Scale for the assessment of reality testing: reliability, validity, and factorial invariance. *Journal of consulting and clinical psychology*, 53(4), 506-511.
- Bell, M., Billington, R., & Becker, B. (1986). A scale for the assessment of object relations: reliability, validity, and factorial invariance. *Journal of clinical psychology*, 42(5), 733-741.
- Berenz, E. C., Amstadter, A. B., Aggen, S. H., Knudsen, G. P., Reichborn-Kjennerud, T., Gardner, C. O., & Kendler, K. S. (2013). Childhood trauma and personality disorder criterion counts: a co-twin control analysis. *Journal of abnormal psychology*, 122(4), 1070-1076.
- Bernstein, D. P., Fink, L., Handelsman, L., Foote, J., Lovejoy, M., Wenzelk, K., Sapareto, E., & Ruggiero, J. (1994). Initial reliability and validity of a new retrospective measure of child abuse and neglect. *American Journal of Psychiatry*, 151(8), 1132-1136.
- Caligor, E., Kernberg, O. F., & Clarkin, J. F. (2007). *Handbook of dynamic psychotherapy for higher level personality pathology* (1st Ed.). Arlington, VA, US: American Psychiatric Publishing, Inc.
- Carvalho Fernando, S., Beblo, T., Schlosser, N., Terfehr, K., Otte, C., Lowe, B., . . . Wingenfeld, K. (2014). The impact of self-reported childhood trauma on emotion regulation in borderline personality disorder and major depression. *Journal of trauma & dissociation*, 15(4), 384-401.
- Cattane, N., Rossi, R., Lanfredi, M., & Cattaneo, A. (2017). Borderline personality disorder and childhood trauma: exploring the affected biological systems and mechanisms. *BMC psychiatry*, 17(1), 221.
- Chen, P., Coccaro, E. F., Lee, R., & Jacobson, K. C. (2012). Moderating effects of childhood maltreatment on associations between social information processing and adult aggression. *Psychological medicine*, 42(6), 1293-1304.
- Clarkin, J. F., Caligor, E., & Sowislo, J. F. (2020). An Object Relations Model Perspective on the Alternative Model for Personality Disorders (DSM-5). *Psychopathology*, 53(3), 141-148.
- De Bellis, M. D., & Zisk, A. (2014). The biological effects of childhood trauma. *Child and adolescent psychiatric clinics of North America*, 23(2), 185-vii.
- Fassbinder, E., Schweiger, U., Jacob, G., & Arntz, A. (2014). The schema mode model for personality disorders. *Psychiatrie*, 11, 78-86.
- Hannah, D. J. (2008). *Defensive mechanisms of perfectionists*. A thesis presented to the Graduate School of the University of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science.
- Hinshelwood, R. D., & Fortuna, T. (2018). *Melanie Klein: The Basics*. New York: Taylor & Francis.
- Huprich, S. K., Nelson, S. M., Paggeot, A., Lengua, K., & Albright, J. (2017). Object relations predicts borderline personality disorder symptoms beyond emotional dysregulation, negative affect, and impulsivity. *Personality disorders*, 8(1), 46-53.
- Jacobs, I., Lenz, L., Dörner, S., & Wegener, B. (2019). How do schema modes and mode factors align with defense styles and personality disorder symptoms?. *Personality disorders*, 10(5), 427-437.
- Keng, S.-L., & Soh, C. Y. (2018). Association between childhood invalidation and borderline personality symptoms: self-construal and conformity as moderating factors. *Borderline Personality Disorder and Emotion Dysregulation*, 5(1), 19.
- Koppers, D., Van, H., Peen, J., & Dekker, J. J. M. (2020). Psychological symptoms, early maladaptive schemas and schema modes: predictors of the outcome of group schema therapy in patients with personality disorders. *Psychotherapy Research*, 1-12.
- Linehan M. M. (1993a). *Cognitive-behavioral treatment of Borderline Personality Disorder*. New York, NY: The Guilford Press.
- Linehan M. M. (1993b). *Skills Training Manual for Treating Borderline Personality Disorder*. New York, NY: The Guilford Press.
- Lobbestael, J., Vreeswijk, M., Spinhoven, P., Schouten, E., & Arntz, A. (2010). Reliability and Validity of the Short Schema Mode Inventory (SMI). *Behavioural and cognitive psychotherapy*, 38, 437-458.
- Lockwood, G., & Perris, P. (2012). A new look at core emotional needs. In M. van Vreeswijk, J. Broersen, & M. Nadort (Eds.), *The Wiley-Blackwell handbook of schema therapy: Theory, research, and practice* (p. 41-66). Wiley-Blackwell.
- Marcia, J. E. (2001). Identity in Childhood and Adolescence. In N. J. Smelser & P. B. Baltes (Eds.), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (pp. 7159-7163). Pergamon.
- Millon, T. (1983). *Millon Clinical Multiaxial Inventory Manual* (3rd Ed.). Minneapolis, MN: National Computer System.
- Pompili, M., Innamorati, M., Lamis, D. A., Erbuto, D., Venturini, P., Ricci, F., . . . Girardi, P. (2014). The associations among childhood maltreatment, "male depression" and suicide risk in psychiatric patients. *Psychiatry research*, 220(1-2), 571-578.
- Rowland, T. A., Jainer, A. K., & Panchal, R. (2017). Living with obsessional personality. *BJPsych bulletin*, 41(6), 366-367.
- Schepers, R., Keulers, E. H., & Markus, C. R. (2019). Effects of 5-HTTLPR genotype and cognitive rumination on long-term cortisol reactivity measured in human hair. *Stress (Amsterdam, Netherlands)*, 22(2), 221-227.
- Schneiderman, L. (2000). Book Review: An Introduction to Object Relations. *Imagination, Cognition and Personality*, 19(3), 295-302.

- Shakiba, S., Mohamadkhani, P., Poorshahbaz, A., & Moshtaghbidokhti, N. (2011). The efficacy of Brief Object Relations Psychotherapy on major depressive disorder comorbid with cluster C personality [Original Research]. *Medical Journal of the Islamic Republic Of Iran*, 25(2), 57-65.
- Shariati, B., Keshavarz Akhlaghi, A. A., Azarnik, S., Torabi Goodarzi, Z., & Seddigh, R. (2018). Experience of Living With Patients With Obsessive-Compulsive Personality Disorder: A Qualitative Study [Original Article]. *Iran J Psychiatry Behav Sci*, 12(3), e9318.
- Shin, S. H., Lee, S., Jeon, S.-M., & Wills, T. A. (2015). Childhood emotional abuse, negative emotion-driven impulsivity, and alcohol use in young adulthood. *Child Abuse & Neglect*, 50, 94-103.
- Siefert, C., & Porcerelli, J. H. (2015). *Object relations theory and personality disorders: Internal representations and defense mechanisms*. In S. K. Huprich (Ed.), *Personality disorders: Toward theoretical and empirical integration in diagnosis and assessment* (p. 203–224). American Psychological Association.
- Soygut, G., Karaosmanoglu, A., & Cakir, Z. (2009). Assessment of early maladaptive schemas: a psychometric study of the Turkish young schema questionnaire- short form-3. *Turkish journal of psychiatry*, 20(1), 75-84.
- Yakın, D., Grasman, R., & Arntz, A. (2020). Schema modes as a common mechanism of change in personality pathology and functioning: Results from a randomized controlled trial. *Behaviour research and therapy*, 126, 103553.